Original Article Open Access



Child Rights Journal

2021; 3(9): 61-74

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

International ThinkTank of Human Dignity

The Iranian Association of Child Rights

Domestic Legal Order in Response to Violence against Children

Arian Petoft [1]

1. Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Childhood is the most sensitive period of human life in which various physical and mental dimensions of individuals are formed and developed. Hence, it is crucially important to maintain children's physical-mental health. In the present article, an attempt is made to depict the general outline of the domestic legal normative order in response to violence against children.

Method: This study has been done in a descriptive-analytical way by using the library resources and especially laws.

Results: Children should never be exposed to violent domestic or social situations and experience child abuse. Since children today will be responsible for society in the future, and the progress and development of the country depend on their proper upbringing and development; therefore, the issue of violence against children, which causes great harm to it, is of special concern to Iran's laws.

Conclusion: In the current legal system, the response to violence against children knows no boundaries; today, there are various examples, such as violent physical and psychological punishment, parental neglect, exploitation, unhealthy cyberspace, drop out, pornography and pressures of poverty.

Keywords: Children Rights; Violence; Constitution; Social support; Citizen’s rights

Corresponding Author: Arian Petoft; **Email:** arian_petoft@ut.ac.ir

Received: March 15, 2021; **Accepted:** April 25, 2021

Please cite this article as:

Petoft A. Domestic Legal Order in Response to Violence against Children. Child Rights Journal. 2021; 3(9): 61-74.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-31]

This Open Access Article Distributed under the Terms of the Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0 (CC BY-NC 4.0)

مقاله پژوهشی
دسترسی آزاد



فصلنامه حقوق کودک

دوره سوم، شماره نهم، بهار ۱۴۰۰، صفحات ۷۴-۶۱

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

اندیشکده بین المللی کرامت انسانی

انجمن علمی حقوق کودک ایران

پاسخ نظم حقوق داخلی به خشونت علیه کودکان

آرین پتفت[1]

۱. مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: کودکی حساس‌ترین دوره حیات بشری است که ابعاد مختلف جسمی و روانی افراد در آن شکل گرفته و تکامل می‌یابد. از این رو حفظ و تضمین رشد و سلامت جسمی و روانی کودک از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. در مقاله حاضر تلاش بر این است که شمای کلی نظم هنجاری حقوقی داخلی در پاسخ به خشونت علیه کودکان به تصویر کشیده شود.

روش: این مطالعه به‌صورت توصیفی-تحلیلی و با استفاده از بررسی منابع کتابخانه‌ای و به‌ویژه قوانین انجام گرفته است.

یافته‌ها: کودکان هرگز نباید در وضعیت‌های خشونت‌آمیز خانوادگی یا اجتماعی قرار گرفته و مصادیق کودک‌آزاری را تجربه کنند. از آنجا که کودکان امروز، در آینده مسئولیت جامعه را بر عهده خواهند داشت و پیشرفت و توسعه کشور در گرو تربیت و رشد صحیح آنان است، لذا مسئله خشونت علیه کودکان که به شدت موجب آسیب به این امر می‌شود، مورد توجه خاص قوانین کشورمان قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری: در نظم حقوقی کنونی، واکنش در قبال خشونت علیه کودکان حد و مرزی نمی‌شناسد و امروزه مصادیق مختلفی چون تنبیه خشونت‌آمیز فیزیکی و روانی، بی‌توجهی والدین، غفلت، بهره‌کشی، عدم سلامت فضای مجازی، ترک تحصیل، هرزه‌نگاری، فشارهای ناشی از فقر و مانند آن را در بر دارد.

واژگان کلیدی: حقوق کودک؛ خشونت؛ قانون اساسی؛ حمایت اجتماعی؛ حقوق شهروندی

نویسنده مسئول: آرین پتفت؛ **پست الکترونیک:** arian_petoft@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۰/۰۲/۰۵

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Petoft A. Domestic Legal Order in Response to Violence against Children. Child Rights Journal. 2021; 3(9): 61-74.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-31]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

مقدمه

یونیسف از سال ۲۰۰۵ با همکاری دولت جمهوری اسلامی ایران، مسئله خشونت علیه کودکان در ایران را مورد توجه قرار داده است. این همکاری‌ها شامل کمک فنی در زمینه اصلاح قانون و سیاست‌گذاری، آموزش کارکنان بهداشت و مددکاران اجتماعی در شناسایی اولیه و کنترل کودک‌آزاری، تأسیس خط تلفن امداد برای کودکان آسیب‌دیده از خشونت و همچنین آگاه‌سازی عمومی، آموزش مردم و انجام تحقیق و پژوهش در این موضوع بوده است. از آن زمان تا کنون اقدامات مبتکرانه و مهم بسیاری آغاز شده است؛ برای نمونه واحدهای خدماتی تخصصی برای کودکان قربانی بدرفتاری و خانواده‌های آنان در برخی استان‌ها تأسیس شده‌اند که در آن‌ها، خدمات ضروری نظیر حمایت‌های روانی اجتماعی به آسیب‌دیدگان ارائه می‌شود؛ سازمان‌های مردم‌نهاد متعددی در کنار سازمان‌های دولتی (همچون سازمان بهزیستی کل کشور) به حمایت از حقوق کودکان پرداخته و اقدامات ویژه‌ای را برای مبارزه با مصادیق مختلف خشونت علیه کودکان همچون معضل کودکان خیابانی، بدسرپرست و معارض، می‌پردازند (۱)؛ سازمان بهزیستی ایران از جمله مهم‌ترین و اصلی‌ترین نهادهای دولتی متکفل حمایت از حقوق کودکان است. اقداماتی در جهت آموزش کارکنان بهداشت در بیمارستان‌ها در این زمینه صورت گرفته است. همچنین خطوط تلفن امداد برای ارائه مشاوره‌های ابتدایی به کودکان و خانواده‌های آنان در برخی استان‌ها فراهم شده است. این خطوط تلفن توسط سازمان بهزیستی اجتماعی تأسیس شده است و می‌تواند پرونده‌های کودک‌آزاری را به مسئولان مربوطه ارجاع داده و در موارد کودک‌آزاری مداخله نماید. به‌علاوه ضوابط و دستورالعمل‌های مربوط به رفتار آموزگاران، کارکنان بهداشت و مددکاران اجتماعی تدوین و به صورت اسناد حقوق نرم ارائه شده است.

اما در کنار این موارد و دیگر اقدامات اتخاذی، مهم‌ترین وجه مورد توجه کشورمان به مسئله خشونت علیه کودک را می‌توان در زمینه هنجاری مشاهده کرد که عمدتاً در قوانین به صورت پراکنده منعکس شده است. اهم حقوق و آزادی‌های فردی کودک به‌عنوان انسان در بخش حقوق ملت قانون اساسی منعکس شده و عمده حقوق اطفال از آن حیث که کودک هستند در قوانین پراکنده همچون قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ مقرر شده است. در قانون اخیرالذکر، کلیه اشخاصی که به سن هجده سال تمام نرسیده‌اند کودک تلقی شده و از حمایت‌های قانونی بهره‌مند می‌باشند (ماده یک قانون حمایت کودکان). همچنین قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ نیز سند حقوقی مهم دیگری در این رابطه می‌باشد. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در راستای جلوگیری از کودک‌آزاری، قاچاق کودکان و همچنین حمایت از کودکان و نوجوانان در مجلس شورای اسلامی تصویب شده است. مطابق ماده ۱ این قانون، طفل، «هر فرد که به سن بلوغ شرعی نرسیده است» و نوجوان، «هر فرد زیر هجده سال کامل شمسی که به سن بلوغ شرعی رسیده است»، تعریف گردیده‌اند.

در این مقاله بر آنیم تا شمای کلی نظم هنجاری حقوقی داخلی را در پاسخ به خشونت علیه کودکان به تصویر بکشیم؛ به‌گونه‌ای که از یک‌سو مفهوم و مصادیق خشونت علیه کودکان تبیین شده و از سوی دیگر حقوق کودکان و تضمینات قانونی در این رابطه در نظام حقوقی کشورمان ترسیم گردند. این مسئله از آن جهت درخور ضرورت و اهمیت است که با امعان توجه به مسئله بسیار حساس خشونت و شدت تأثیرات منفی آن در دوره کودکی بر جسم و روان اطفال و نوجوانان که در شخصیت آنان نهادینه می‌شود، از آسیب‌های آتی جامعه در نتیجه این‌گونه آثار تخریبی جلوگیری به عمل می‌آورد. در راستای پاسخ به سؤال این پژوهش ابتدا به تعریف خشونت علیه کودکان و مصادیق آن در قوانین و مقررات کشورمان می‌پردازیم (قسمت ۱) و سپس پاسخ حقوق داخلی به مسئله تنبیه و بزه‌دیدگی کودکان (قسمت ۲) مورد تدقیق و بررسی قرار می‌گیرد.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-31]

روش

این مطالعه به شیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از بررسی منابع مختلف کتابخانه‌ای و به‌ویژه مراجعه به قوانین، انجام گرفته است.

یافته‌ها

۱. خشونت علیه کودکان و مصادیق آن: در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، خشونت به صراحت تعریف نشده است؛ اما به‌طور خاص «هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد» ممنوع شده است (ماده ۲ قانون حمایت کودکان). به‌موجب منشور حقوق شهروندی، همه کودکان حق دارند که از هرگونه تعرض و خشونت گفتاری و رفتاری دیگران در تمام محیط‌های خانوادگی و اجتماعی مصون باشند و در صورت بروز هر نوع خشونت امکان دسترسی آسان به مکان‌های امن و نهادهای امدادی، درمانی و قضایی جهت احقاق حق خود را داشته باشند (ماده ۵۴ منشور حقوق شهروندی). در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، به‌رغم سکوت مقنن در تعریف خشونت علیه کودک، مصادیق مهم آن تعریف شده‌اند که به‌قرار ذیل می‌باشد (ماده یک قانون حمایت از اطفال و نوجوانان):

- بی‌توجهی و سهل‌انگاری: کوتاهی در انجام تکالیفی از قبیل تأمین نیازهای اساسی و ضروری طفل و نوجوان یا وظایف مربوط به حضانت، قیمومت، وصایت، سرپرستی، تربیت، نظارت یا مراقبت از آنان توسط والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی یا هر شخصی که مکلف به آن است.
- سوء رفتار: هرگونه فعل یا ترک فعل عمدی که سلامت جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی طفل و نوجوان را در معرض خطر و آسیب قرار دهد؛ از قبیل ضرب‌وجرح، محبوس کردن، سوء استفاده جنسی، توهین یا تهدید نسبت به طفل یا نوجوان یا قرار دادن او در شرایط سخت و غیرمتعارف و یا خودداری از کمک به وی.
- بهره‌کشی اقتصادی: به‌کارگیری غیرقانونی طفل و نوجوان و یا وادار کردن یا گماردن او به کار یا خدمتی که از لحاظ جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی با نظر به وضعیت طفل و نوجوان برای وی مضر یا خطرناک باشد.
- معامله: خرید و فروش یا هرگونه اقدام غیرقانونی که به‌موجب آن طفل یا نوجوان در ازاء پرداخت وجه یا امتیاز و سایر موارد در اختیار دیگری قرار می‌گیرد.
- فحشاء: هرگونه به‌کارگیری و یا وادار کردن طفل و نوجوان در فعالیت‌ها جنسی برای خود یا دیگری.
- هرزه‌نگاری: تهیه و تولید هر اثری که محتوای آن بیانگر جذابیت جنسی طفل یا نوجوان مانند برهنگی، آمیزش، عمل یا اندام جنسی باشد.
- خطر شدید و قریب‌الوقوع: وضعیتی که حیات یا سلامت جسمی یا روانی طفل و نوجوان به شدت تهدید و در معرض آسیب قرار گیرد، به نحوی که مداخله فوری و چاره‌جویی را ایجاب نماید.
- وضعیت مخاطره‌آمیز: به‌موجب ماده ۳ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، موارد زیر در صورتی که طفل یا نوجوان را در معرض بزه‌دیدگی یا ورود آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت و یا وضعیت آموزشی وی قرار دهد، وضعیت مخاطره‌آمیز محسوب شده و موجب مداخله و حمایت قانونی از طفل و نوجوان می‌شود:

الف) بی‌سرپرستی طفل و نوجوان و یا بی‌توجهی و سهل‌انگاری در انجام وظایف قانونی و شرعی نسبت به آنان از سوی هر شخصی که مکلف به آن است؛

ب) ابتلای هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی به بیماری یا اختلال‌های رفتاری، روانی یا شخصیتی و یا بیماری‌های جسمی واگیر صعب‌العلاج به تشخیص پزشکی قانونی؛

پ) زندانی‌شدن هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی؛

ت) ابتلاء هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی به اعتیادهای زیان‌آور نظیر مواد مخدر و روانگردان یا قمار؛

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-31]

ث) قوادی و یا دائر یا اداره‌کردن مراکز فساد و فحشا توسط هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی و یا اشتهار آن‌ها به فساد اخلاق و فحشا؛

ج) خشونت مستمر والدین، اولیاء، سرپرستان قانونی و یا سایر اعضای خانواده نسبت به یکدیگر؛

چ) عدم اقدام برای ثبت واقعه ولادت یا عدم أخذ اسناد سجلی یا هویتی برای طفل یا نوجوان بدون عذر موجه؛

ح) بازماندن طفل و نوجوان از تحصیل؛

خ) طردشدن طفل و نوجوان از سوی خانواده؛

د) کم‌توانی جسمی یا ذهنی طفل و نوجوان، ابتلای وی به بیماری‌های خاص یا اختلال هویت جنسی؛

ذ) نقض قوانین جزائی توسط طفل یا ارتکاب جرم توسط نوجوان و یا استفاده از آنها در فعالیتهای مجرمانه، واردشدن یا واردکردن طفل و نوجوان در فعالیت‌هایی نظیر تکدی‌گری و قاچاق و همچنین اعتیاد آنان به مواد مخدر، روانگردان یا مشروبات الکلی؛

ر) هرگونه وضعیت زیانبار ناشی از فقر شدید، آوارگی، پناهندگی، مهاجرت یا بی‌تابعیتی؛

ز) فرار مکرر از خانه یا مدرسه و ترک تحصیل از سوی طفل یا نوجوان؛

ژ) سوءرفتار نسبت به طفل و نوجوان و یا بهره‌کشی از او. به موجب ماده ۹ قانون مذکور، هرگاه در اثر بی‌توجهی و سهل‌انگاری اشخاص غیر از والدین نسبت به اطفال و نوجوانان نتایج زیر واقع شود، مقصر علاوه بر پرداخت دیه به‌شرح زیر مجازات می‌شود:

الف) فوت طفل یا نوجوان حسب مورد به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی؛

ب) فقدان یکی از حواس یا منافع، قطع، نقص یا ازکارافتادگی عضو، زوال عقل یا بروز بیماری صعب‌العلاج یا دائمی جسمی یا روانی و یا ایراد جراحت از نوع جائفه یا بالاتر حسب مورد به مجازات حبس درجه شش قانون مجازات اسلامی؛

پ) نقصان یکی از حواس یا منافع، شکستگی استخوان یا دیگر اعضاء و یا بروز بیماری روانی به مجازات حبس درجه هفت قانون مجازات اسلامی؛

ت) جراحت سر و صورت و یا گردن در صورت عدم شمول هر یک از بندهای (ب) و (پ) به مجازات حبس درجه هشت قانون مجازات اسلامی؛

ث) آزار جنسی ناشی از بی‌توجهی و سهل‌انگاری شدید و مستمر حسب مورد به یکی از مجازات‌های درجه هشت قانون مجازات اسلامی.

همچنین هر کس به هر نحو موجبات ارتکاب به خودکشی کودک را فراهم آورد یا تسهیل کند و مشمول مقررات حد یا قصاص نشود، علاوه بر پرداخت دیه طبق مقررات، حسب مورد به ترتیب زیر مجازات می‌شود (ماده ۱۴ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان):

الف) هرگاه رفتار مرتکب، موجب خودکشی منجر به فوت طفل و نوجوان شود، به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی؛

ب) هرگاه اقدامات مرتکب موجب فوت طفل و نوجوان نشود، ولی منجر به ورود آسیب جسمی یا روانی به طفل و نوجوان شود به مجازات حبس درجه شش قانون مجازات اسلامی؛

پ) هرگاه اقدامات مرتکب مؤثر واقع نشود، به مجازات حبس درجه هشت قانون مجازات اسلامی.

۲. تنبیه و بزه‌دیدگی کودک: قانون‌گذار به‌طور تلویحی، اقدامات تربیتی کودک را از شمول کلی مصادیق خشونت علیه کودک خارج کرده است (ماده ۷ قانون حمایت کودکان و نوجوانان). این اقدامات به‌طور کلی، ماهیت مدنی و یا ماهیت کیفری دارند؛ در قانون مدنی کشورمان مقرر شده است که «ابوین حق تنبیه طفل خود را دارند ولی به استناد این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تأدیب، تنبیه نمایند.»(ماده ۱۱۷۹) با توجه به اینکه مطالعات و تحقیقات کنونی حاکی از مضرات جسمی و روحی مخاطره‌انگیز تنبیه بدنی کودک هستند، بدیهی است که منظور مقنن از «تنبیه» شامل برخورد فیزیکی (اعم از هرگونه ضرب و شتم یا آزار جسمی) نبوده و تنها اقداماتی را شامل می‌شود که صدمات ذهنی یا فیزیکی برای کودک به همراه نداشته باشد و صرفاً برای تأدیب و پرورش او در راستای تقویت فضیلت‌های اخلاقی

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-31]

صورت پذیرد. برخی از دکترین حقوق ایران، در مبحث حضانت در بحث از حق تنبیه طفل عنوان می‌نمایند: حق تربیت طفل متضمن اختیار در تنبیه او است. قانون‌گذار نمی‌تواند حدود اختیار پدر و مادر را به‌دقت معین سازد و مرز مباح را ترسیم نماید.

تنبیه کودک ممکن است به صورت ندادن غذا و محبوس کردن موقت در اتاق خاص و ایراد ضرب و شماتت و مانند این‌ها تصور شود؛ ولی همه این موارد مصداق خشونت علیه کودک و انتقام‌جویی از وی است؛ هرگونه اقدام تنبیهی پدر و مادر باید با نوعی ملایمت و انعطاف که لازمه امور تربیتی است همراه باشد. وانگهی، تنبیه کودک در صورتی مجاز است که به قصد تأدیب انجام شود. پس قانون‌گذار به‌ناچار بایستی از عرف یاری بگیرد و انگیزه «تأدیب» را شرط لازم برای اباحه هرگونه تنبیه قرار دهد (۲). این ابهام و تفاوت عرف و تعریف هر منطقه درباره حد متعارف تنبیه، ضرورت اصلاح و بازنگری در مفهوم تنبیه را در حقوق ایران آشکار می‌کند. باید اذعان نمود که هیچ معیاری نمی‌توان ارائه کرد که به واسطه آن حد متعارف تأدیب و محافظت مشخص گردد. در واقع تلاش زیادی برای ارائه روش‌های درست و نادرست تأدیب و محافظت انجام شده اما در جهت مشخص نمودن حد متعارف تأدیب و محافظت هنوز هنجارمندی قانونی حاکم نشده است (۳). اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان کودک که به منظور تأدیب یا حفاظت آن‌ها انجام می‌شود، باید در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد و تعیین حد و مرز این امر در قانون، مشخص نبوده و کاملاً عرفی و بر اساس رویه قضایی است.

قانون‌گذار در راستای تبیین اقدامات کیفری تربیتی، بخش مجزایی را در قانون مجازات اسلامی تحت عنوان «مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان» (فصل دهم) پیش‌بینی کرده است که البته با توجه به اینکه کودک به سبب عدم تکامل قوه عقلی برای درک ماهیت جرم و یا حرمت آن، فاقد مسئولیت کیفری است، تأکید مقنن بر مجازات‌های جایگزین حبس، تخفیف مجازات و یا حتی حکم تعلیقی مجازات کودک معارض قانون است (۴).

قانون حمایت کودکان، هرگونه کودک‌آزاری را جرم‌انگاری نموده و برای آن مجازات تعیین کرده است. به موجب ماده ۴ این قانون، «هرگونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان ممنوع و مرتکب به سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس و یا تا ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد.» از آنجا که کودک در دفاع از حقوق خویش دارای توانایی‌های لازم همچون بزرگسالان نبوده و ممکن است به سبب ضعف روحی یا جسمی (از جمله ترس، گوشه‌گیری و مانند آن) نتواند خشونتی را که تحمل کرده بازگو نموده و خواستار حمایت و پیگرد قانونی شود، لذا قانون حمایت کودک برای تقویت نقش دادستان و حمایت ویژه از کودک در برابر هرگونه تعرضات، به جرم خشونت علیه کودک جنبه عمومی داده است.

در حقیقت در راستای حمایت قضایی بیشتر از اطفال، اندیشمندان حقوق کیفری ایران بر تقویت جنبه عمومی جرائم علیه کودکان تأکید دارند (۵) تا دادستان بتواند پس از اطلاع از کودک‌آزاری و صرف نظر از نحوه اعلام جرم و طرح شکایت از سوی قربانیان، اقدام به تعقیب و رسیدگی نماید. در کشور ما برابر ماده ۵ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، کودک‌آزاری جنبه عمومی دارد و نیازی به شکایت شاکی خصوصی نیست: «کودک‌آزاری از جرائم عمومی بوده و احتیاج به شکایت شاکی خصوصی ندارد.» هرچند به نظر می‌رسد بر اساس اصول و قواعد کلی حقوق کیفری اصل بر عمومی بودن جرایم است و آنچه نیاز به تصریح دارد قابل گذشت بودن آن‌ها است، اما قانون‌گذار با وضع این ماده علاوه بر دنبال کردن هدف فرهنگی و ارزشی که کشاندن کودک‌آزاری از خلوت خانواده‌ها به عرصه جامعه است، درصدد مشکل‌گشایی در مواردی بوده که خود والدین و سرپرستان قانونی اطفال مرتکب کودک آزاری می‌شوند و کودک نیز نمی‌تواند اعلام شکایت کند و یا حتی در موارد کودک‌آزاری اطرافیان نیز آن‌ها

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-31]

مایل بـه اعلام شکایت نباشند (۶). از این رو دادستان می‌تواند در راستای کشف موارد خشونت علیه کودک اقدام نموده و حسب مورد با پیگرد قانونی مقتضی، خواستار مجازات مجرم و احیای حقوق کودک بزه‌دیده شود و در این راستا نیازی به طرح شکایت از سوی کودک مزبور نیست (۷).

در این رابطه، کلیه افراد و نهادهایی که به هر نحوی از انحاء با کودکان سروکار دارند موظفند در صورت مشاهده موارد کودک‌آزاری، موضوع را به اطلاع دادستان برسانند تا اقدامات مقتضی از سوی این مقام قضایی اتخاذ شود. بنابراین، نباید چنین تصور نمود که به صرف مسئولیت احیای حقوق کودک بزه‌دیده بر عهده دادستان، سایر افراد و مسئولین در این رابطه تکلیفی ندارند؛ بلکه کلیه افراد و نهادها باید برای کشف موارد کودک‌آزاری، گزارش آن‌ها و یاری‌رساندن به دادستان اقدامات لازم را به عمل آورند. بنابراین، چنانچه شهروندان، پزشکان اطفال، مددکاران اجتماعی، دبیران (خصوصاً معلمان مهد کودک)، مسئولین سازمان بهزیستی، فعالان سمن‌های حمایت از حقوق کودک (سازمان‌های مردم‌نهاد) و کلیه افراد و نهادهای دیگر، نسبت به هرگونه خشونتی علیه کودک که شاهد آن بوده‌اند بی‌تفاوت باشند، خود مرتکب جرم شده و مستحق مجازات هستند. به همین سبب است که قانون‌گذار از واژه «مکلفند» در مسئولیت گزارش موارد خشونت علیه کودکان استفاده کرده است: «کلیه افراد و مؤسسات و مراکزی که به نحوی مسؤولیت نگاهداری و سرپرستی کودکان را بر عهده دارند، مکلفند به محض مشاهده موارد کودک‌آزاری مراتب را جهت پیگرد قانونی مرتکب و اتخاذ تصمیمی مقتضی به مقامات صالح قضائی اعلام نمایند تخلف از این تکلیف موجب حبس تا شش ماه یا جزای نقدی تا پنج میلیون (۵۰۰۰۰۰۰) ریال خواهد بود.»

البته گفته می‌شود که به علت عدم اطلاع‌رسانی مناسب در این رابطه برای نهادهای ذیصلاح، ضعف آموزش و فرهنگ‌سازی مطلوب و فقدان نظارت با کیفیت و مقاومت جامعه سنتی ایران نسبت به قبول تأسیسات نوین حقوقی، قانون حمایت از کودکان عملاً به صورت قانون عقیم درآمده و رویه قضایی خاصی برای آن موجود نیست (۸). در راستای تحکیم ماده ۶ قانون مذکور، در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، به سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان است، اجازه داده شده تا نسبت به جرایم ارتکابی در موارد خشونت علیه کودکان اعلام جرم کرده و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند؛ لذا آنان می‌توانند در دفاع از حقوق کودک، نزد دادستان اعلام جرم کرده و اقدامات لازم برای طرح دادرسی کیفری را اتخاذ نمایند. مواد ۷۰ و ۷۱ این قانون نیز در خصوص جرایم علیه اطفال که تعقیـب آن‌ها منـوط به شکایت شاکی است اعلام می‌دارد: «در مواردی که ... ولی یا قیم نداشته یا به آنان دسترسی ندارد، ... و همچنین در صورتی که ولی یا قیم خود مرتکب جرم شده ... باشد، دادستان شخصی را به‌عنوان قیم موقت تعیین و یا خود امر کیفری را تعقیب می‌کند و اقدامات ضروری را برای حفظ و جمع‌آوری ادله جرم و جلوگیری از فرار متهم به‌عمل می‌آورد....» و همچنین «اگر ... ولی قهری یا سرپرست قانونی او با وجود مصلحت مولّی‌علیه اقدام به شکایت نکند، دادستان موضوع را تعقیب می‌کند... و ... موقوف شدن تعقیب یا اجرای حکم نیز منوط به موافقت دادستان است.»

به هر ترتیب، در حقوق ایران، یکی از راهکارهای مبارزه با خشونت علیه کودکان، جرم‌انگاری و تشدید مجازات کودک‌آزاری است. سیاست کیفری افتراقی در قبال بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان در قوانین کیفری، در پرتو سازوکار جرم‌انگاری ویژه از یک‌سو و تشدید کیفر مرتکبان چنین جرایمی از سوی دیگر، نمود یافته است. البته در مواردی، سیاست کیفری ایران در قبال حمایت از کودکان و نوجوانان در جرایم خشونت‌آمیز نه‌تنها ویژه و افتراقی نیست، بلکه با عدول از اصل تساوی افراد در برابر قانون کیفری، از آن‌ها حمایت کیفری کمتری کرده است. این رویکرد آثار و پیامدهای منفی زیادی می‌تواند به دنبال داشته باشد. ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی با در نظر گرفتن معافیتی شگرف برای پدران، بزه‌دیدگی خاص فرزندان را مباح دانسته است: «قصاص در صورتی ثابت می‌شود که مرتکب، پدر یا از اجداد پدری مجنی علیه نباشد.» این ماده، با معاف کردن پدر و جد پدری از قصاص نفس، به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-31]

تعزیر قاتل بسنده کرده است. گذشته از سازوکار دیه - که در فقه اسلامی بیشتر به سازوکاری جبرانی شبیه است تا کیفر به معنای واقعی - کیفرگذاری تعزیر برای جرم شدیدی چون قتل تأمل‌برانگیز به نظر می‌رسد. این ماده می‌تواند دستاویزی برای پدرانی باشد که به بهانه سوءظن و بدگمانی به فرزندانشان (به ویژه دختران) آنان را به قتل می‌رسانند و سپس با تحمل تعزیر و پرداخت خون‌بها، رفتار ستم‌کارانه خویش را توجیه می‌کنند. از دیدگاهی بزه‌دیده‌شناسانه نیز حکم این ماده، خشونت‌های خانگی و کودک‌آزاری را در جامعه رواج می‌دهد و نوعی دادگری خصوصی مبتنی بر انتقام‌جویی را شایع می‌کند. ماهیت این بزه‌دیدگی‌ها همواره با رقم بالای سیاه بزه‌کاری همراه است و در نتیجه، معلوم نیست که در همه مواردی که پدر دست به فرزندکشی می‌زند، مورد پیگرد واقع شده و همین اندازه از ضمانت اجرای ماده درباره وی اجرا شود.

دکترین حقوقی، فلسفه عدم ثبوت قصاص بر پدر را به این شرح بیان نموده‌اند: اولاً پدر یا جد پدری فطرتاً خواهان سعادت فرزند خود می‌باشند، حتی اگر از اوامر و نواهی او سرپیچی کند؛ ثانیاً علاقه و محبت نسبت به فرزند به‌قدری شدید است که مانع از کشتن فرزند است. لذا در صورت وقوع، این امر ناشی از هوی و هوس نبوده است (۹). اما همان‌طور که برخی از پژوهشگران اذعان نموده‌اند «... چه بسیارند پدرها یا اجداد پدری که بدون رعایت مصلحت و حتی به منظور از بین بردن مصالح کودک اقدام به قتل وی می‌کنند. در مورد انگیزه تربیت نیز باید گفت که در سال‌های اخیر ما شاهد مواردی از خشونت به اطفال بوده‌ایم که کودک در سنین بسیار پایینی قرار داشته و بسیار آسیب‌پذیر بوده است. بنابراین عنوان نمودن بحث انگیزه تربیت در مورد این کودکان که گاهی کمتر از یکسال نیز سن دارند، بحثی بیهوده می‌باشد. از طرفی بسیاری از موارد خشونت علیه کودکان در پس مصرف مواد مخدر توسط والدین صورت گرفته است که باز هم بحث تنبیه و تربیت را منتفی می‌نماید. لذا تجدیدنظر در مواد قانونی مربوطه، لازمه اتخاذ تدابیر لازم برای پیشگیری کیفری می‌باشد» (۱۰).

از جمله مهم‌ترین مسائلی که مورد توجه نظام سیاست کیفری ایران قرار گرفته است، پیشگیری کیفری در برابر خشونت علیه کودکان است. پیشگیری از اقدامات معارض قانون از سوی اطفال و بزهکاری علیه اطفال از مهم‌ترین سازوکارهای سیاست جنایی کشور است که دولت با توسل به اقدامات قهرآمیز و غیرقهرآمیز درصدد کاهش یا از بین بردن عوامل فردی، محیطی و وضعیِ مولد جرم و نیز گرایش به اقدامات متخلفانه بر می‌آید. با تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان نشانه‌هایی از پذیرش «سیاست کیفری افتراقی» در برخورد با جرایم علیه اطفال در حقوق کیفری ایران، نمایان شد، قانونی که با دادن جنبه عمومی به کودک‌آزاری و جرم‌انگاری با هدف اجباری کردن گزارش‌دهی موارد کودک‌آزاری، بارقه‌های امیدی از شکل‌گیری نظام دادرسی خاص کودکان و نوجوانان را نوید می‌دهد (۱۱). از نقاط مثبت این قانون، حمایت از کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال است که چتر حمایتی گسترده‌تری را در مقایسه با قانون مجازات اسلامی بر سر کودکان گسترانده است. از سوی دیگر، در ماده ۲ هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد، ممنوع اعلام شده است. این قانون به جرم کودک‌آزاری جنبه عمومی داده است. به این ترتیب، تعقیب جرایم ارتکابی علیه کودکان و نوجوانان در ماده ۳ و ۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بر اساس ماده ۱۱ و ۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بر عهده دادستان خواهد بود و این راهی مناسب برای کشاندن جرم کودک‌آزاری از فضای خلوت و خصوصی خانواده‌ها به کل جامعه است.

با این حال، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان که درحال حاضر برای رسیدگی به جرایم خشونت علیه اطفال به آن استناد می‌شود، فارغ از اینکه ضمانت‌های اجرایی ضعیفی دارد، جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی کودک‌آزاری در آن لحاظ نشده و فقط به مراجع قضایی اجازه مداخله داده است. به طوری که در صورت وقوع خشونت علیه طفل، حتی سازمان بهزیستی

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-31]

هم اجازه ندارد اقدامی بدون هماهنگی مراجع قضایی انجام دهد. باید اول به مراجع قضایی گزارش دهد و منتظر بررسی این گزارش بماند؛ وضعیتی که می‌تواند باعث هدر رفت زمان و اقدام دیرهنگام شود. این در حالی است که قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان، از یک طرف به طور ویژه به جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی که در پیشگیری از خشونت علیه اطفال مؤثرند می‌پردازد، و از طرف دیگر، برخلاف قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، اختیارات گسترده‌ای برای مراجع غیرقضایی یعنی سازمان بهزیستی و نیز سازمان‌های مردم‌نهادِ فعال در حوزه کودکان در نظر گرفته است. بدیهی است که این مسأله، در پیشگیری از خشونت علیه کودکان و حمایت از کودکان آسیب‌دیده، بسیار تأثیرگذار است. در قانون جدید، همچنین ضمانت‌های اجرایی برخورد با کودک‌آزاری هم تشدید شده و به‌علاوه تأسیس یک دادگاه اختصاصی با کارشناسان ویژه برای رسیدگی به جرایم خشونت علیه اطفال در نظر گرفته شده است.

در سیاست کیفری ایران، نوعی پیشگیری غیر کیفری ـ از نوع پیشگیری وضعی و اجتماعی ـ هم مورد توجه قرار گرفته است. توضیح این‌که پیشگیری غیرکیفری «از جمله شاخه‌های کاربردی جرم‌شناسی است که با رویکردی کنشی پیشینی و ماهیتی غیرقهرآمیز به دنبال کاهش یا از بین بردن عوامل فردی، محیطی و وضعی مؤثر در وقوع بزهکاری است. مطابق این تعریف، کیفر که در ذات خود واکنشی و پسینی می‌باشد، از فرآیند پیشگیری خارج می‌شود. مدل نوین جرم‌شناسی پیشگیری، تقسیم‌بندی پیشگیری به پیشگیری وضعی و پیشگیری اجتماعی می‌باشد» (۱۰). پیشگیری وضعی، روشی است که بر کاهش فرصت‌ها و موقعیت‌های ارتکاب جرم تأکید دارد و پیشگیری اجتماعی، زمینه و علل جرم‌زا را از بین می‌برد (۱۲). مهم‌ترین اقدامات پیشگیری وضعی در ایران که در مقاله آقایان ثابت و عبدالهی به‌خوبی بدان‌ها پرداخته شده است (۱۰)، عبارتند از: خط تلفن ویژه، الزام آموزشی و الزام گزارش‌دهی؛ و اهم اقدامات پیشگیری اجتماعی: آموزش والدین، آموزش رسانه‌ای، آموزش از طریق سمن‌ها، زوج‌درمانی و حمایت رفاهی (۱۰):

۱- ایجاد خط تلفنی ویژه برای اعلام موارد کودک‌آزاری: به منظور اعلام موارد خشونت علیه کودکان، خط تلفن ۱۲۳ در تهران و برخی از دیگر استان‌ها به‌عنوان خط ویژه در نظر گرفته شده که تمام طول شبانه‌روز پاسخگوی افراد می‌باشد و هرگونه گزارش کودک‌آزاری بدون ذکر نام اعلام کننده و یا با اعلام نام به صورت محرمانه، مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. پس از دریافت گزارش توسط مشاورین این خط، مددکاران مربوطه برای پیگیری گزارش‌ها به محل اعزام می‌شوند و در صورت صحت موارد گزارش‌شده اقدامات مقتضی را به عمل می‌آورند.

۲- الزام والدینی که سابقه سوء رفتار با کودکان خود دارند، به شرکت در دوره‌های آموزشی حقوق کودک و سلامت خانواده: پس از برخوردهای قانونی مقتضی با افرادی که اطفال را مورد خشونت قرار داده‌اند، لازم است که نظارت و کنترل مستمر مددکاران اجتماعی بر این افراد صورت گرفته و در راستای اصلاح الگوهای رفتاری آنان، در دوره‌های آموزشی مناسبی تحت تعلیم قرار گیرند. البته این برنامه هنوز در کشور ما جایگاه قانونی مؤثری پیدا نکرده است؛ اما به صورت حکم تنبیهی از سوی قاضی و یا در موارد اقدامات داوطلبانه‌ی خود والدین اغلب در مراکز سازمان بهزیستی و سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه کودک انجام می‌پذیرد. هم‌اکنون برخی دوره‌های به صورت دانشگاهی و عمومی راجع به چگونگی الگوپذیری کودکان از رفتار والدین، نحوه تربیت کودک، شیوه‌های اصلاح رفتار نابهنجار فرزند، مراقبت و نظارت والدین بر رفتار فرزندان، مراحل مختلف رشد جسمی-روانی، اجتماعی و عاطفی کودک، تناسب انتظارات والدین با استعدادها و توانایی‌های فرزند، روش‌های تقویت عزت نفس در کودک و به‌کارگیری راهکارهای تشویقی، رفتار کلامی و عملی مناسب در برخورد با کودک، برقراری ارتباط با کودکان، نحوه زندگی شایسته زناشویی، مهارت‌های حل مشکلات خانوادگی و بسیاری دیگر.

۳- الزام افراد به گزارش موارد کودک‌آزاری: در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، همه افراد می‌توانند خشونت علیه اطفال را گزارش کنند. اذن قانون‌گذار به تجویزی ساختن گزارش خشونت علیه کودکان موجب می‌شود که افراد در بسیاری از

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-31]

موارد به دلایل مختلفی چون ترس، آبرو، بی‌توجهی و مانند آن، موارد کودک‌آزاری را اطلاع ندهند؛ اما در قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان، کلیه افراد ملزم به گزارش خشونت علیه اطفال شده‌اند، یعنی وظیفه قانونی بر دوش افراد گذاشته شده است و حتی به خود کودکان هم این حق داده شده است که این موارد را گزارش کنند. از این رو، بر اساس قانون جدید، کلیه افرادی که به نوعی با کودکان در ارتباط هستند (همچون معلم، پزشک اطفال، پرستار، مددکار اجتماعی، والدین و غیره) و یا شاهد کودک‌آزاری بوده‌اند، باید موارد خشونت علیه کودکان را به مراجع قانونی گزارش دهند. برخی مواقع، افراد با تصور این که خشونت علیه اطفال یک مسأله خصوصی خانوادگی است، اقدامی در جهت گزارش و اعلام موارد مشاهده شده در این زمینه نخواهند کرد. در حالی که این‌گونه نیست و تک‌تک افراد جامعه باید خود را موظف به گزارش این موارد بدانند. با الزامی شدن اعلام موارد خشونت علیه کودکان، در صورت قصور در انجام این وظیفه، باید مجازات‌هایی پیش‌بینی گردد. به عنوان مثال، جزای نقدی، حبس‌های کوتاه‌مدت و یا مجازات‌های جایگزین حبس (مثلاً خدمت رایگان برای کودکان تحت حمایت بهزیستی برای یکسال).

۴- آموزش به والدین در مورد حقوق کودکان و آثار و تبعات خشونت علیه آنان: در بسیاری از موارد مشاهده شده است که اقدام والدین به تنبیه بدنی فرزند خود، بی‌توجهی به وی و غفلت از وضعیت جسمی-روانی وی تنها به دلیل عدم آگاهی آنان از تبعات مخرب خشونت علیه کودکان است و اگر آنان را از مخاطرات و صدمات سنگین کودک‌آزاری آگاهی نماییم، چه بسا در رفتار خود تجدیدنظر کرده و در مراحل آتی به طور شایسته به تربیت فرزند خود اقدام کنند. بسیاری از خانواده‌ها از معضلات و مشکلات جدی ناشی از خشونت علیه کودکان اطلاعی ندارند. مسائلی بغرنج در کودکان همچون: شکل‌گیری رفتارهای ضد اجتماعی و ناهنجار به طور بالقوه که می‌تواند به صورت عناصر خشونت‌آمیز، بزهکارانه و نافرمانی مدنی در مراحل آتی زندگی کودک بالفعل شود؛ اختلال شخصیتی؛ ارتباطات نامناسب با دیگران؛ کینه‌توزی و بیزاری از زندگی؛ انزواطلبی و گوشه‌گیری؛ رفتارهای روانی چندقطبی؛ افسردگی و اضطراب؛ عدم احترام به خود و دیگران؛ نداشتن عزت نفس و حس بی‌ارزشی؛ خودآزاری و گرایش به خودکشی؛ گرایش به مصرف دخانیات، اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی؛ اختلال در رشد جسمی و ایجاد تغییرات جدی در گوارش، مزاج و اشتها؛ بروز مشکلات در مدرسه و محل کار؛ اختلال در مسائل جنسی، فحشا و روابط نامشروع؛ بی‌نظمی‌طلبی؛ خواب پریشی و کابوس؛ ترس، فوبیا از مسائل مختلف و شب ادراری؛ و نهایتاً مرگ کودک. این‌ها تنها بخشی از مضرات خشونت علیه کودکان هستند.

۵- آموزش رسانه‌ای در مورد معضل خشونت علیه اطفال: صدا و سیما، شبکه‌های اجتماعی و سایت‌ها نقش بسیار برجسته‌ای در دنیای فناوری کنونی دارند. امروزه تلاش رسانه‌ها برای انعکاس موارد خشونت علیه کودکان، آسیب‌شناسی وضع موجود و ارائه راهکارها به طور روزافزونی افزایش یافته است و حتی برنامه‌های متعدد آموزنده‌ای برای خانواده‌ها ارائه شده است؛ اما با تمام این احوال هنوز خلأ جدی در فعالیت شبکه-های تلویزیونی، رادیو، رسانه‌های چند منظوره، وب‌سایت‌های آموزش کودک و خانواده و نیز شبکه‌های اجتماعی در رابطه با حقوق کودک، تعامل مناسب با وی، برخوردهای شایسته با فرزند، تربیت و پرورش او، برنامه‌های آموزشی برای والدین و کودکان به شدت احساس می‌شود. تهیه و پخش برنامه‌های مستند راجع به خشونت علیه اطفال و عواقب آن و بررسی کارشناسانه محتوای برنامه، می‌تواند تلنگری باشد برای تمامی افرادی که به صورت آگاهانه و یا با عدم آگاهی اقدام به خشونت علیه کودکان می‌نمایند. انعکاس تجربیات و دردهای روحی و روانی افرادی که در گذشته مورد آزار قرار گرفته‌اند، تقبیح خشونت در قبال اطفال از منظر شرع مقدس اسلام در قالب دوره‌های آموزشی و برنامه‌های دینی و ضرورت اجتناب از رفتارهای آسیب‌رسان نسبت به کودکان می‌تواند از راه‌های مهم در بستر پیشگیری اجتماعی از پدیده خشونت علیه اطفال در خانواده‌ها باشد.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-31]

۶- آموزش الگوهای صحیح تربیتی به والدین از طریق ظرفیت های سازمان‌های مردم‌نهاد: در نظام حقوقی، بهره‌گیری از اجزای جامعه مدنی در کنار سازمان‌های دولتی و رسمی در مبارزه با جرائم از جمله خشونت علیه کودکان، می‌تواند برای پیشگیری از کودک‌آزاری، که جزو رسالت کل جامعه در قالب همبستگی دولت و مردم است، کارآیی و اثربخشی اقدامات اتخاذی را افزایش دهد. (۱۳) از ویژگی‌های برجسته نظام‌های کیفری مدرن (در پرتو اصول حقوقی نوین و آموزه‌های مدرن حقوق کیفری)، مشارکت جامعه مدنی نظیر سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند کیفری و نیز در پیشگیری از جرم است. «با توجه به این‌که تربیت فرزندان سالم و بهنجار مستلزم آشنایی والدین از شیوه‌های مناسب و صحیح تربیت کودک و دارا بودن مهارت‌های فرزندپروری است و این‌که متأسفانه بیشتر والدین ایرانی، به‌خصوص آن‌هایی که دارای فقر فرهنگی و اقتصادی هستند، فاقد چنین اطلاعات و مهارت‌هایی هستند، پس فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد در این بخش از برنامه‌های خانواده‌مدار عمدتاً بر آموزش مهارت‌های یادشده به والدین متمرکز است. این آموزش‌ها می‌تواند در زمینه شیوه‌های تربیتی کودکان و نوجوانان، شیوه برخورد با رفتارهای نادرست آن‌ها، چگونگی برقراری ارتباط سازنده با نوجوانان و غیره باشد. در این باره به عنوان نمونه می‌توان به فعالیت‌های انجمن حمایت از حقوق کودکان اشاره کرد. یکی از برنامه‌های هفتگی انجمن یادشده برگزاری کلاس‌های آموزشی برای مادران است که در آن مهارت‌های فرزندپروری به مادران آموزش داده می‌شود. از جمله می‌توان از کلاس‌های: آموزش تعلیم و تربیت کودکان، مدیریت خشم و عصبانیت، چگونه پدر و مادر و مربی مفیدی باشیم، روش خوب گوش دادن به کودکان، روش نقاشی با کودکان و آموزش حقوق کودک برای مادران و همچنین کلاس‌های مشاوره گروهی رفتار با کودک در خانه و خانواده نام برد» (۱۰).

۷- زوج درمانیِ والدینِ کودک‌آزار: از جمله یکی از راهکارهای پیشگیری اجتماعی خشونت علیه کودکان، از بین بردن عوامل سوء رفتار والدین با فرزندان است که به طریق زوج درمانی انجام می‌شود. این امر در کشور ما چندان جایگاه قابل توجهی پیدا نکرده است؛ اما به صورت پراکنده در برخی برنامه‌ها همچون آموزش قبل از ازدواج، مشاوره ازدواج و مانند آن منعکس شده است که البته کارایی چشمگیری ندارند. ولی زوج درمانی در کاهش مشکلات روان‌شناختی و استرس مؤثر می‌باشد. بسیاری از والدینی که اطفال خود را آگاهانه یا به طور ناخواسته مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند، اغلب از ناراحتی روانی با شدت و ضعف رنج برده و از لحاظ اجتماعی منزوی می‌باشند. برخی برنامه‌های درمانی در قالب شبکه‌های اجتماعی می‌توانند موجبات گردهم‌آیی دوستان، تماس با انجمن‌ها و درمان اولیا را فراهم آورند. این‌گونه ارتباطات اجتماعی برای اقدامات درمانی می‌تواند سطوح مختلفی داشته باشد و بستگی به نیازهای خانوادگی دارد؛ ممکن است این ارتباط از خطوط تلفن بحرانی، تا گروه‌های حمایتی و کلاس‌های آموزشی را شامل شود. برنامه‌های بازدید از منازل، یک شیوه حمایتی دیگر از والدین است. چنین دیدارهایی، اطلاعاتی در مورد رشد کودک و نحوه اداره او در اختیار والدین قرار می‌دهد که عمدتاً از سوی مددکاران اجتماعی انجام می‌پذیرد.

۸- حمایت رفاهی از خانواده‌های فقیر: بدیهی است که یکی از مهم‌ترین عوامل مولد خشونت علیه کودکان، فقر خانواده و بی‌کاری سرپرست آن است. نظام حقوقی کشور ما یکی از مبانی سیاسی خود را ریشه‌کن کردن فقر از بستر اقتصاد گذارده است. به وفور دیده شده است که خانواده‌های کودک آزار غالباً از فقر مالی و بهداشتی رنج می‌برند و برای تأمین خوراک، پوشاک، مسکن، شغل و بهداشت خود به کمک و همیاری دیگران نیاز دارند. با این وجود، اغلب مقوله فقر مورد غفلت واقع می‌شود و حمایت‌های کنونی سازمان‌های دولتی و مردمی (همچون کمیته امداد امام خمینی (ره)، بنیاد مستضعفین، مساجد، پایگاه‌های بسیج و غیره) در این زمینه هنوز نتوانسته خلأهای گسترده فقر مالی مردم را پر کنند. آموزش شغلی و فراهم‌سازی شغل مناسب می‌تواند بخشی از خدماتی باشد که به والدین آنان ارائه می‌شود. آثار زیان‌بار و غیر قابل انکار فقر بر روابط خانوادگی، رشد، جامعه‌پذیری، عطوفت و شایستگی تربیت فرزندان، موجب می‌شود که برای

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-31]

بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی خانواده‌های فقیر اقدامات ویژه‌ای را در اولویت برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان کشور قرار داده و از تبعیضات مثبت برای حمایت از آنان استفاده نماییم. بسیاری از محققین اذعان نموده‌اند که وضعیت نامناسب اقتصادی-اجتماعی خانواده‌ها در کارکردهای آن‌ها و کفایت والدین تأثیر مخربی داشته است (۱۴). کودکان در خانواده‌هایی که تحت فشار شدید فقر مالی قرار داشته و از وضعیت نامناسب اجتماعی رنج می‌برند، کمتر تحت مراقبت، تشویق و رفتارهای عاطفی قرار می‌گیرند و احتمال بروز رفتارهای خشونت‌آمیز نسبت به آن‌ها بیشتر می‌باشد؛ این امر موجبات اختلال شخصی و هویتی کودک شده و حس تعلق او به خانواده را از بین می‌برد و فرآیند رشد شناختی، عاطفی و اجتماعی وی را مختل می‌کند. خوشبختانه، قانون اساسی کشورمان بسترهای مناسبی برای حمایت رفاهی از خانواده فراهم آورده است که بهره‌گیری از آن‌ها می‌تواند تا حد قابل توجهی ریشه‌های فقر موجد کودک‌آزاری را بخشکاند. در اصل ۴۳ قانون اساسی کشورمان مقرر شده است: «برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

۱. تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش‌وپرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.
۲. تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.
۳. تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعت کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.
۴. رعایت آزادی انتخاب شغل، و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری.
۵. منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام.
۶. منع اسراف و تبذیر در همه شیون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات.
۷. استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور.
۸. جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور.
۹. تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند».

بحث و نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر دریافتیم که در قوانین کشور، خشونت علیه کودکان به صراحت تعریف نشده است؛ اما از شمول کلی احکام قانونی این‌گونه بر می‌آید که در حقوق ایران، هرگونه رفتار یا وضعیت‌های موجد آثار منفی جسمی یا روحی بر افراد زیر ۱۸ سال (اطفال و نوجوانان) اعم از سوء رفتار، بهره‌کشی اقتصادی، معامله آنان، فحشاء، هرزه‌نگاری، ایجاد خطر شدید و قریب‌الوقوع برای آنان، فشار روانی مخرب، آزار فیزیکی و روحی، بی‌توجهی، سهل‌انگاری و قراردادن آنان در وضعیت‌های مخاطره‌آمیزی چون بی‌سرپرستی، ابتلاء والدین به اختلال‌های روانی یا بیماری‌های جسمی واگیر صعب‌العلاج، زندانی شدن والدین و اعتیادهای زیان‌آور به مواد مخدر یا قمار، دایر یا اداره کردن مراکز فساد و فحشا توسط والدین، خشونت مستمر والدین نسبت به یکدیگر، عدم اقدام برای ثبت احوال بدون عذر موجه، بازماندن طفل و نوجوان از تحصیل، طرد از سوی

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-31]

خانواده، کم‌توانی جسمی یا ذهنی طفل و نوجوان، ابتلاء آنان به بیماری‌های خاص، نقض قوانین جزایی، هرگونه وضعیت زیان‌بار ناشی از فقر شدید، آوارگی، پناهندگی، مهاجرت یا بی‌تابعیتی، فرار مکرر از خانه یا مدرسه، سوء رفتار نسبت به طفل و نوجوان و یا بهره‌کشی از او، خشونت علیه کودکان تلقی می‌شود.

همچنین دریافتیم که اغلب مغالطه مفهومی میان «تنبیه» و «تأدیب» کودک صورت گرفته است و بسیاری از والدین تصور می‌کنند که قانوناً اختیار تنبیه فیزیکی و روحی کودک خویش را حتی به صورت خشونت‌آمیز دارند. در حالی که والدین تنها حق تأدیب کودک را دارند و آن غیر از کودک‌آزاری است. رفتارهای تنبیه‌آمیز والدین که موجب ورود صدمه جسمی یا روحی به کودک می‌شود، خشونت علیه کودکان بوده و منع قانونی دارد. هرگونه کودک‌آزاری در زمره جرائم عمومی قرار داشته و احتیاج به شکایت شاکی خصوصی ندارد؛ لذا تحت پیگرد قانونی از سوی دادستان قرار می‌گیرد. کلیه افراد و نهادهایی که به هر نحوی از انحا با کودکان سروکار دارند موظفند در صورت مشاهده موارد کودک‌آزاری، موضوع را به اطلاع دادستان برسانند تا اقدامات مقتضی از سوی این مقام قضایی اتخاذ شود. به هر حال، سیاست کیفری ایران در پاسخ به خشونت علیه کودکان هم پیش‌گیرانه (مراتب سخت‌گیرانه نظارتی و بازدارنده) و هم مبارزه‌جویانه (جرم‌انگاری و تشدید مجازات) است. افزون بر این، اقدامات پیشگیری غیرکیفری نیز در ایران مورد توجه قرار گرفته است که اهم آن عبارتند از: خط تلفن ویژه، الزام آموزشی، الزام گزارش‌دهی، آموزش والدین، آموزش رسانه‌ای، آموزش از طریق سمن‌ها، زوج‌درمانی و حمایت رفاهی.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده است.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-31]

References

1. Petoft A, Abbasi M. Citizenship Rights: from Good Governance to Administrative Procedures: Justice Publication; 2017. [Persian]

2. Katozian N. Civil Law, Family. Tehran: Mizan Publications; 2010. [Persian]

3. Darijani M. Legal and criminological study of corporal punishment of children (Master Thesis), Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science. University of Tehran; 2000. [Persian]

4. Petoft A, Markaz-malmiri A. Concept and scope of the general principles of administrative law and referring possibility in the judicial procedure. The Judiciary Research Institute Publishing Center; 2016.

5. Nobahar R, Saffari F. The Requirements of a Protective Criminalization for Street Children. Criminal Justice Research. 2018; 8(2): 211-31. [Persian]

6. Zeinali AH. Innovations in the Law on the Protection of Children and Adolescents and Its Overcoming Challenges. Social Welfare Quarterly. 2003; 7: 59. [Persian]

7. Parvin K, Patoft A. Scope of legislative supervision of the decisions of the council of ministers, emphasis upon Articles 85 and 138 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran. Public Law Studies Quarterly. 2015; 45(1): 63-82. [Persian]

8. Javanmard B. Study of the status of criminal protection of children in the Iranian legislative system and related challenges. Journal of the Bar Association. 2010; 208: 247. [Persian]

9. Asghari SS. Islamic Penal System and Response to Doubts. Tehran: Keyhan Publications; 2018. [Persian]

10. Sabet MAM, Abdollah S. Iran's preventive criminal policy against violence against children. Quarterly Journal of Crime Prevention Studies. 2020; 33: 9-51. [Persian]

11. Petoft A. The concept and instances of general principles of administrative law: Towards a global administrative law. Cuestiones constitucionales. 2020; 42: 309-55.

12. Saffari A. Theoretical Foundations of Crime Prevention. Journal of Legal Research. 2001; 34: 33. [Persian]

13. Aberandabadi AHN. Criminal Politics. Criminal Science: Collection of Articles. 2005; 2: 268. [Persian]

14. Mahdavi M. Study of children and adolescents at risk: A case study of delinquency risk factors in adolescents of Tehran Correctional Center (PhD thesis) Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science: University of Tehran; 2009. [Persian]

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-31]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.